

بازخوانی چگونگی تحقق عدالت اقتصادی از منظر امام علی علیه السلام
با تکیه بر نهج البلاغه با بهره‌گیری از روش داده بنیاد

زهرا بختیاری*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

چکیده

دو مقوله عدالت و اقتصاد هم به تنهایی و هم در کنار یکدیگر؛ از مقولات کلیدی در زندگی انسانها به شمار می‌روند. پژوهش حاضر سعی دارد تا با بهره‌گیری از روش داده بنیاد به بررسی چگونگی تحقق عدالت اقتصادی از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه بپردازد؛ و راهکارهای تحقق آن را در سیره نظری امام؛ در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه مورد جستجو قرار دهد. دستاورد پژوهش پیش رو بر اساس این روش، کشف مقوله‌های مرکزی «تقوا» و «محور قرار دادن حق» است؛ که با توجه به آن فرضیه حاصل از پژوهش حاضر چنین است که؛ تقوا و محور قرار دادن حق موجب برپایی عدالت اقتصادی در جامعه می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، تقوا و حق محوری برای اجرا، نیازمند اموری چون یاری مردم، مبارزه قاطعانه با ستمگران و ... می‌باشد؛ و مهم‌ترین شرایط سبب‌ساز آن، اطاعت اوامر و دستورات خداوند و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، و استقامت و استواری در راه حق از مهم‌ترین شرایط متکی بر زمینه می‌باشد. مهم‌ترین شرایط دخیل نیز شجاعت و عدم ترس در این مسیر است و مهم‌ترین عمل راهبردی در این زمینه، عمل نمودن به دستورات خدا، استقامت در مقابل سختی‌های مسیر حق و نیز ارشاد و روشننگری و آگاه‌سازی و تشویق به استقامت در مقابل سختی‌های مسیر حق است، و پیامد و حاصل آن برپایی حق و نابودی باطل است.

کلید واژه‌ها:

عدالت اقتصادی، نهج البلاغه، حق محوری، نظریه زمینه‌ای.



۱. مقدمه

عدالت یکی از محوری‌ترین مسائل حیات انسان‌هاست که از دیرباز تا کنون مورد توجه و عنایت بوده است؛ چنانکه افلاطون کتاب جمهور خود را با عدالت آغاز نموده و قسمت‌های قابل ملاحظه‌ای را به این مبحث اختصاص داده است (ر.ک: افلاطون: ۱۳۶۸). و در کتاب سیاست ارسطو، دادگری به عنوان سامان جامعه سیاسی دانسته شده است (ارسطو، ۱۳۵۸: ۶).

عدالت در دین اسلام نیز از جایگاه خاصی برخوردار است^۱ و در آیات مختلفی از قرآن کریم آمده است. ^۲ از جمله آیه‌ای که به این مهم اشاره دارد، از این قرار است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَئِ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات / ۹)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَفْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ اُرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِدَعْمَانَا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ» (مانده / ۱۰۶).

عدل در لغت به معانی متعددی آمده و در برخی علوم نیز به معانی خاصی به کار رفته است.^۳ از جمله معانی عدل می‌توان به مساوات و برابری (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۲۵؛ قرشی، ۱۳۷۷ش: ۷۰۵/۲)، مقابل ستم بودن آن (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۹۷۲)، و قرار دادن هر چیزی در جای خود (همان؛ برای آگاهی بیشتر درباره معانی و موارد استعمال واژه عدل، برای نمونه ر.ک: مطهری، ۱۳۹۶: ۵۸-۵۲) اشاره کرد که بدیهی است که اگر هر چیزی در جای خودش قرار گیرد، ظلمی به کسی نمی‌شود و هرکس به حق خود می‌رسد.

مسأله اقتصاد نیز از مسائل مهم و حیاتی در زندگی انسان است، که با توجه به وابستگی گریزناپذیر زندگی بشر به اقتصاد، مقوله عدالت اقتصادی از مهم‌ترین مباحث و مقولات قابل بررسی و پیگیری است؛ اما طبق آنچه گفته شده، علیرغم اینکه موضوع عدالت اقتصادی، مسأله پر سوز و

۱. برای آگاهی از اهمیت عدالت در اسلام برای نمونه ر.ک: احمد عربشاهی کریزی، بررسی عدالت در قرآن کریم در سه محور، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۹-۱۲۱.
 ۲. برای نمونه در این باره و معانی مختلف واژه عدل در قرآن کریم ر.ک: همان، صص ۱۲۱-۱۲۲.
 ۳. برای نمونه ر.ک: علی اصغر احمدی، عدالت اجتماعی در نهج البلاغه، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۱۸.

گداز منتقدان سرمایه‌داری بوده است، عدالت در خط فکری و روند کلی اقتصاددانان کارایی با اولویت درجه پایین‌تری را داراست (رابین هائل، ۱۳۹۳: ۴۰-۴۱).

امام علی علیه السلام که نام او با عدالت آمیخته و عجین شده و در اذهان نقش بسته است و بنا به نقل جرج جرداق: «و هیچ جای شگفت نیست که علی دادگرتین مردم باشد، بلکه اگر چنین نبود جای تعجب بود» (جرج جرداق، ۱۳۸۷: ۱۵۱)؛ بهترین شخصی است که می‌توان سیمای واقعی عدالت را پس از کلام خدا-قرآن- و حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله، در حکومت او و به طور ویژه در نهج‌البلاغه یافت.

از این رو، با توجه به اهمیت و ضرورت تحقق عدالت اقتصادی در جوامع مختلف و به ویژه در میان جوامع شیعی و نیز با توجه به ضرورت الگوگرفتن از سیره امام علی علیه السلام برای شیعیان آن حضرت؛ در پژوهش حاضر سعی شد با رویکرد توصیفی و استفاده از روش داده بنیاد به بازخوانی این موضوع و یافتن راهکارهای تحقق عدالت اقتصادی از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه پرداخته شود. برای دستیابی به این منظور، پس از گزاره‌یابی و کدگذاری گزاره‌های کلیدی در سطوح مختلف، به مقوله‌یابی پرداخته تا از این طریق به فرضیه دست یابیم.

روش‌شناسی پژوهش:

روش گراند تئوری که در زبان فارسی با معادل‌های مختلفی چون نظریه زمینه‌ای، نظریه مبنایی و نظریه داده بنیاد عنوان شده است (ر.ک: استراوس و کربین، ۱۳۹۶: ۱۴) (پیشگفتار مترجم)؛ برای آگاهی بیشتر ر.ک: دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۷۴)؛ روشی پژوهشی برای علوم اجتماعی است که توسط بارنی گلیسر^۱ (متولد ۱۹۳۰م) و استراوس^۲ (۱۹۹۶-۱۹۱۶م) ارائه شده است (دانایی فرد و امامی، پیشین: ۷۲).

استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی، یکی از استراتژی‌های تحقیق کیفی است که بر رویکرد استقرایی استوار است (دانایی فرد، ۱۳۸۴: ۶۹). در این روش (نظریه زمینه‌ای)، نظریه مستقیماً از داده‌هایی استخراج می‌شود که به صورت منظم در جریان پژوهش گرد آمده و تحلیل شده‌اند. نظریه‌ای که با این روش بدست می‌آید، بیشتر ممکن است به واقعیت نزدیک باشد تا نظریه‌ای که با

1 . Barney Glaser

2 . Anselm Strauss



کنار هم گذاشتن تعدادی مفهوم بر اساس تجربه یا حدس و گمان شکل گرفته است. نظریه‌های زمینه‌ای به دلیل استخراج از داده‌ها؛ بیشتر می‌توانند بصیرت‌افزا بوده و فهم را تقویت نموده و راهنمای عمل شوند (استراوس و کرین، پیشین: ۳۴) و تفاوت ریشه‌ای بین انتزاع مفاهیم و نظریه از داده‌ها با شیوه به کارگیری نظریه‌ها و مفاهیم از قبل پرداخته و آماده درباره داده‌ها وجود دارد (همان، ۸۸).

فرایند تئوری داده بنیاد مستلزم شناسایی مقولات تئوریک است که به روش مقایسه مداوم از داده‌ها استخراج می‌شوند (دانایی فرد و زنگویی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۴۶). بر اساس روش زمینه‌ای، کدگذاری داده‌ها و اسناد گردآوری شده، در فرایند دقیق و عمیق تحلیل و متکی به مقایسه مداوم صورت می‌گیرد. در جریان کدگذاری، مقوله‌ها و مضامین تحقیق ظهور می‌کنند؛ آنگاه پژوهشگر با ارائه تفسیرها و تطبیق مداوم مقوله‌ها و مضامین، مختصات و ویژگی‌های مقوله و ارتباط بین آنها را کشف نموده و در مراحل بعد می‌تواند تا خلق نظریه پیش رود (ولوی و بیک، ۱۳۹۲: ۱۱۲). بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است گزاره‌های بیشتر مرتبط با موضوع مورد بحث از نهج البلاغه استخراج شود؛ و با بهره‌گیری از روش یاد شده، به بررسی چگونگی تحقق عدالت اقتصادی از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه پرداخته شود.

پژوهش‌هایی همانند «عدالت اقتصادی در کلام و سیره علی علیه السلام» (دیرباز، ۱۳۸۰)، «گفتمان عدالت اقتصادی در نهج البلاغه» (شمسینی غیاثوند و محمدزاده، ۱۳۹۸، صص ۹۳ - ۱۱۵)، مقاله «عدالت اقتصادی در نگره امام علی علیه السلام» (برزگری، ۱۴۰۲) که پرسش‌های اصلی آن چنین است: «۱. بینش‌ها و منش‌های رفتاری خلفای سه‌گانه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چگونه بوده است؟ ۲. تغییرات اساسی و بنیادین امام علی علیه السلام، در حوزه بینش‌ها و منش‌های ابداع شده از سوی خلفا به چه شیوه‌ای انجام شده است؟» (همان، ۶۰)، و مقاله «معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج البلاغه» (جهان‌بین و نعمتی، ۱۳۹۴، صص ۱۰۳ - ۱۲۲) که در آن تلاش شده است با استفاده از روش مطالعه تحلیلی، در چارچوب راهبرد کیفی راهبردهای کلان تحقق عدالت اقتصادی از منظر نهج البلاغه مورد استنتاج قرار گیرد (همان، ۱۰۵)؛ از جمله پژوهش‌هایی است که درباره موضوع مورد بحث نگاشته شده‌اند.

با توجه به اهمیت بحث عدالت اقتصادی به ویژه از منظر امام علی علیه السلام و نیز توجه به اهمیت بازخوانی تحقق عدالت اقتصادی از منظر آن حضرت علیه السلام، در این پژوهش سعی بر آن است که با تمرکز بر خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه به بحث مورد نظر پرداخته شود. پژوهش پیش‌رو از جهات مختلفی با پژوهش‌های یادشده متفاوت است. پرداختن به موضوع از زاویه‌ای دیگر، روش به کار گرفته شده، نتایج به دست آمده از جمله وجوه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های یادشده است. در این پژوهش سعی شده با تکیه بر نهج البلاغه و با استفاده از روش داده بنیاد تا رسیدن به حالت اشباع، گزاره‌های مرتبط با عدالت اقتصادی از دیدگاه آن حضرت علیه السلام استخراج شود. بدیهی است پژوهش پیش‌رو در این حوزه، آخرین کار نخواهد بود و با توجه به اهمیت این بحث و رفع نیازهای موجود در این عرصه، همچنان جای کار وجود دارد.

متن گفتارهای امام علی علیه السلام درباره عدالت اقتصادی

کدها	گزاره‌ها	آدرس
۱	شخص سومی از آن جمع در نتیجه شورا به خلافت برخاست. او در مسیر انباشتن شکم و خالی کردن آن بود و بالا کشیدن پهلوهایی خویش (الف). به همراه او فرزندان پدرش برخاستند و چونان شتر که علفهای باطراوت بهاری را با احساس خوشی می‌خورد، مال خدا را با دهان پر می‌خوردند. سالها بر این گذشت و پایان زندگی سومی هم فرا رسید و رشته‌هایش پنبه شد و کردار او به حیاتش خاتمه داد و پرخوری به رویش انداخت (ب)	خطبه ۳، ص ۷۳
۲	اگر گروهی برای یاری من آماده نبود و حجت خداوندی با وجود یاوران بر من تمام نمی‌گشت و بیمان الهی با دانایان درباره عدم تحمل پرخوری ستمکار (الف) و گرسنگی ستمدیده نبود (ب)، ...	همان، ص ۷۵
۳	سوگند به خدا، اگر آن املاک را پیدا کنم، به مسلمانان بر می‌گردانم، اگرچه مهریه زنان قرار گرفته یا کنیزها با آن خریداری شده باشد (الف). زیرا گشایش کارهای اجتماع در عدالت است و کسی که عدالت برای او تنگی ایجاد کند، ستم برای او تنگناتر خواهد بود.	خطبه ۱۵، ص ۹۱
۴	آگاه باشید، هیچ یک از شما نباید از خوبشاونندان خود که در فقر و پریشانی به سر می‌برند، منصرف شود از این که فقر و پریشانی او را با چیزی مرتفع بسازد که اگر آن را	خطبه ۲۳، ص ۱۱۱



	نگهداری کند، نخواهد افزود و اگر انفاقش کند، نخواهد کاست (الف) کسی که دست کرامت خود را از دودمانش برمی دارد، یک دست او از آنان برداشته می‌شود و در مقابل دستهای فراوانی از او برداشته خواهد گشت. هر که خوی نرم دارد، از محبت دائمی دودمانش برخوردار خواهد بود.
۵	فرمود: سوگند به خدا، این کفش در نزد من محبوبتر از زمامداری بر شما است، مگر اینکه حقی را برپا دارم یا باطلی را از بین ببرم (الف) سپس بیرون آمد و خطبه‌ای برای مردم خواند و فرمود: خداوند متعال محمد ﷺ را بر مردم مبعوث نمود در حالی که هیچ کسی از نژاد عرب کتابی نمی‌خواند و ادعای پیامبری نمی‌کرد پیامبر اکرم ﷺ مردم را (به سوی حیات پاکیزه) سوق داد تا این که آنان را در موقعیت اصلی خودشان (اسلام) مستقر ساخت. آنان را به زندگی نجات بخش رسانید، تا این که کجی‌ها و ضعف آنان را مبدل به قدرت و استقامت نمود و احوال و اوضاع آنان را که متزلزل بود، محکم و قابل اطمینان ساخت. سوگند به خدا، من در انبوه جمعی بودم که به لشگریان کفر هجوم بردیم تا این که همه آنان مغلوب شدند و پشت گردانند. من ناتوان نشده‌ام و ترسی ندارم و این مسیری که امروز پیش گرفته‌ام، مانند همان مسیری است که برای پیروزی اسلام پیش گرفته بودم. <u>قطعا باطل را می‌شکافم و حق را از پهلوی آن بیرون می‌آورم (ب)</u>
۶	ای مردم، حقی من بر شما دارم و حقی شما بر من دارید. اما حق شما بر من: خیرخواهی درباره شما و تنظیم و فراوان نمودن بیت المال برای تهیه معیشت سالم برای شما (الف)
۷	انسان ضعیف و خوار در نزد من عزیزاست، تا حق او را برای او بگیرم، (الف) و انسان قوی در نزد من ضعیف است تا حق دیگران را از او بگیرم. (ب) ما به قضای خداوندی رضایت داده و امر او را تسلیم به او نموده‌ایم. آیا گمان می‌کنی من به رسول خدا ﷺ دروغ می‌بندم؟!
۸	بر عهده شخص پیشوا چیزی جز آن که از امر خدا متعهد شده است، نیست: ابلاغ موعظه، و نهایت کوشش در خیرخواهی، و احیای سنت، و برپاداشتن حدود بر مستحقان آنها، و اخراج و رساندن سهم‌ها و نصیب‌ها به صاحبانشان (الف)

خطبه
۳۳،
صص
۱۳۵-
۱۳۷

خطبه
۳۴،
ص ۱۴۱

خطبه ۳۷،
ص ۱۴۵

خطبه ۱۰،
۵،
ص ۳۰۹



<p>خطبه ص ۱۰۹، ۳۲۹</p>	<p>۹ آن رسول گرامی دنیا را محقر و ناچیز نمود (یا آن را حقیر و ناچیز دید) و بی اعتنا و اهانت به آن کرد و دانست که خداوند به علت برگزیدگی او دنیا را از او دور نموده و آن را به علت تحقیر به دیگران گسترده است. لذا از ته دل از دنیا اعراض فرمود، و یاد آن را از نفس خود محو نمود. و دوست داشت که زینت آن از چشمش غایب شود تا از آن زینت دنیوی پوشاک فخر و مباهات برای خود اتخاذ نکند، یا امید اقامت همیشگی در دنیا (یا در آن زینت‌ها) نداشته باشد. (الف)</p>
<p>خطبه ص ۱۱۰، ۳۳۱</p>	<p>۱۰ بهترین وسیله‌ای که توسل کنندگان به خداوند سبحانه و تعالی انتخاب نموده‌اند، ایمان به او، و به فرستاده او، و جهاد در راه اوست. زیرا جهاد در راه خدا مقام اعلای اسلام است، و کلمه اخلاص است که مبنای فطرت اصلی انسان بر آن است. و برپا داشتن نماز است که اصل دین است و پرداخت زکات است که فریضه واجب است (الف) و روزه ماه رمضان که سپری از عذاب است. و حج بیت‌الله و عمره در آن که فقر را منتفی و گناه را می‌شوید. و صلح رحم مال را می‌افزاید، و اجل را به تأخیر می‌اندازد. و صدقه پنهانی که کفاره گناه است. (ب) و صدقه آشکار که مرگ زشت و سخت را دفع می‌نماید. (پ) و انجام کارهای نیکو که از سقوطهای پست جلوگیری می‌کند.</p>
<p>خطبه ص ۱۲۶، ۳۷۵</p>	<p>۱۱ آیا شما به من امر می‌کنید که در قلمرو زمامداری خود با ستمکاری پیروز شوم! سوگند به خدا هرگز چنین کاری نمی‌کنم مادامی که شب و روز پشت سر هم می‌آیند و می‌روند، و مادامی که ستاره‌ای به دنبال ستاره‌ای حرکت می‌کند. اگر مال از آن من بود، همه مردم را در تقسیم آن مساوی می‌گرفتم، چه رسد به این که مال قطعاً مال خدا است. (الف)</p>
<p>خطبه ص ۱۲۷، ۳۷۷</p>	<p>۱۲ رسول خدا ﷺ زانی محصن را کشت و سپس بر او نماز گزارد، سپس خاندانش را وارثش قرار داد (الف) و قاتل را کشت و میراث او را به خاندانش به ارث گذاشت (ب) و دست دزد را قطع کرد و زانی غیر محصن را تازیانه زد. سپس سهمشان را از غنیمت به آن دو پرداخت و آن دو با زن‌هایی که مسلمان بودند ازدواج کردند، و حق خداوندی را در مورد آنان اقامه فرمود، و اقامه حق الهی مانع از برخورداری آنان از سهمی که از اسلام داشتند، نگشت، و نام‌های آنان را از میان اهل اسلام خارج نفرمود (پ)</p>
<p>خطبه ص ۱۳۶، ۳۹۷</p>	<p>۱۳ ای مردم، مرا برای اصلاح نفوس خودتان یاری کنید. و سوگند به خدا، داد مظلوم را از ظالمش می‌ستانم و افسار ستمکارش را می‌گیرم و او را تا چشمه سار حق می‌کشانم، اگر چه او نخواهد (الف)</p>



<p>خطبه ۱۶۴، ص ۴۸۳- ۴۸۵</p>	<p>۱۴ بدان، برترین بندگان خدا در نزد خداوند سبحان، امامی است عادل، که هدایت شده و مردم به وسیله او هدایت شوند... امت در میان تشویش‌ها و گرفتاری‌ها به اضطراب افتاده و در هم خواهند آمیخت. هرگز مانند چارپای بی‌اختیار مباش که مروان بن حکم تو را هر کجا بخواهد براند، در این موقعیت که سالیان زندگی تو متراکم و عمر تو رو به پایان می‌رود. عثمان به او گفت: (با مردم صحبت کن که به من مدتی مهلت بدهند تا ظلم‌هایی که بر آنان وارد شده است، برطرف کرده و جبران نمایم. امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در پاسخ او فرمود: (آنچه که در مدینه است، برای آن مدتی لازم نیست و آنچه که دور از مدینه است مدت مهلتش وصول امر تو به آن است (الف))</p>
<p>خطبه ۱۹۳، ص ۶۳۷</p>	<p>۱۵ مردم باتقوا در میان آنان مردم اهل فضیلت‌ها هستند: منطق آنان درست و صحیح، پوشاکشان بر مبنای اقتصاد (الف)، حرکتشان بر اساس فروتنی است. چشمان خود را از آنچه که به آنان تحریم فرموده است پوشیدند و گوش‌های خود را به آن علم که برای آنان سودمند است فرا دادند.</p>
<p>خطبه ۱۹۹، ص ۶۶۷</p>	<p>۱۶ خداوند سبحان می‌فرماید: «انان مردانی هستند که نه تجارت آنان را از به یاد خدا بودن و برپا داشتن نماز و دادن زکات مشغول می‌کند و نه خرید و نه فروش.» (الف) رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> با این که به بهشت بشارت داده شده بود، باز خود را به زحمت می‌آنداخت، به جهت فرموده خداوند سبحان: «امر کن خانواده ات را به نماز و تحمل کن در به پا داشتن آن.» پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> دودمانش را به نماز دستور می‌داد و در اقامه نماز سختی‌ها را تحمل می‌فرمود. سپس زکات با نماز برای مسلمانان وسیله تقرب به خدا قرار داده شده است. هر کس زکات را با رضایت خاطر بدهد، کفاره‌ای برای گناهان او شود و مانع و سپری از آتش (ب). کسی که زکات مالش را داد، نفس خود را به دنبال آن نفرستد (چشمش به دنبال آنچه که داده نباشد) و اشتیاق خود را به آن مال که به عنوان حق مقرر ادا کرده است، زیاد نکند، زیرا هر کس زکات را بدون خشنودی نفس ادا کند و امید به آن داشته باشد که به عوضی بهتر از آن برسد، چنین شخصی به سنت اسلام نادان است و پاداش حقیقی را از دست داده، دارای عملی گمراه است و پیشمانی دراز (پ).</p>



<p>خطبه ۲۰۵، ص ۶۷۷</p>	<p>۱۷ ... و اما آنچه که درباره تساوی حقوق میان شما و دیگر مسلمانان قرار می‌دهم. این حکمی است که ناشی از رای شخصی من نیست و با تکیه به هوای من نمی‌باشد (الف) بلکه من و شما این حکم تساوی را از آنچه که پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> آورده است دریافتیم (ب). به همین جهت است که احتیاجی به شما و غیر از شما در تقسیمی نداشتیم که خداوند مقرر فرموده و از آن فارغ شده و حکمش را درباره آن امضاء فرموده است (پ). سوگند به خدا، برای شما و غیر شما حقی بر من نیست که لازم باشد خشنودی شما را در آن جلب نمایم. خداوند سبحان دل‌های ما و شما را به سوی حق برگرداند و به ما و شما صبر و شکیبایی عنایت فرماید. سپس فرمود: خدا رحمت کند مردی را که حقی را ببیند و به آن کمک نماید (ت) یا ستمی را ببیند و آن را منتفی بسازد (ث) و یاور حق باشد تا آن را به صاحبش برساند (ج).</p>
<p>خطبه ۲۰۹، ص ۶۸۱</p>	<p>۱۸ خداوند بر پیشوایان عدالت مقرر فرموده است که شان و اندازه خود را در حد مردم ناتوان تنظیم نمایند تا بینوایی مستمندان آنان را گرفتار درد و اندوه مهلک نسازد (الف)</p>
<p>خطبه ۲۲۴، صص ۷۲۷- ۷۲۹</p>	<p>۱۹ سوگند به خدا، اگر شب را در حال بیداری روی خار سعدان به صبح برسانم، یا بسته در زنجیره‌های آهنین و سنگین بار کشیده شوم، برای من بهتر از آن است که خدا و رسول او را در روز قیامت ملاقات کنم در حالی که بر بعضی از بندگان ظلم روا داشته ام (الف) و چیز بی ارزشی از پس مانده‌های گاه و علف دنیا را غصب نموده باشم (ب). چگونه ظلم روا بدارم به کسی، به خاطر نفسی که برگشت آن به سرعت برای پوسیدن است و فرار گرفتنش در خاک طولانی. سوگند به خدا، عقیل را دیدم گرفتار فقر. به سراغم آمد و از گندم بیت المال یک صاع طلب بخشش نمود (پ). کودکش را دیدم از سختی فقر با موهایی ژولیده و رنگهایی غبارآلود که گویی نیل به صورتهای آنان کشیده شده. برای تاکید به خواسته خود چندین بار مراجعه کرد و سخنش را تکرار نمود. گوش به سخنش فرادادم. او گمان کرد که دینم را به او خواهم فروخت و راهی را که پیش گرفته ام ترک نموده، از وی پیروی خواهم کرد. آهنی را برای او داغ کردم و سپس آن را به چشمش نزدیک کردم تا عبرت بگیرد. از درد آن فریادی کشید چونان فریادی که بیمار از شدت درد برآورد. نزدیک بود از تاثیر گرمی آن آهن تقطیده بسوزد. به او گفتم: ای عقیل، زنان نوحه گر به ماتم بنشینند! آیا از آهنی تقطیده که یک</p>



	<p>انسان معمولی آن را داغ کرده ناله می‌کند و مرا به آتشی می‌کشد که خدای آن آتش با غضب خود آن را شعله ور ساخته است. ای عقیل تو از اذیت آتش دنیوی ناله سر می‌دهی، من از آتش اخروی دوزخ ناله نکنم؟ (ت) شگفت انگیزتر از داستان عقیل، کار آن شخص بود که شبانگاه با ظرفی پوشیده به دیدار ما آمد. معجونی در آن ظرف آورده بود. من آن را نمی‌خواستم (ث)، گویی با آب مسموم دهان مار آمیخته شده بود یا زهر کشنده‌ای که از مار بیرون آید (ج). به او گفتیم: این که آورده‌ای چیست؟ آیا صله است، یا زکات یا صدقه‌ای؟ این امور برای ما خاندان پیامبر ﷺ حرام است (ج). آن مرد گفت: نه این (آن) است و نه آن یکی، بلکه هدیه‌ای است (ح). به او گفتیم: مادرت به ماتم بنشیند، از راه دین (و با نقاب دینی) آمده‌ای مرا بفریبی! (خ) مغزت مختل است، یا دیوانه‌ای، یا هذیان می‌گویی. سوگند به خدا، اگر تمامی اقالیم هفتگانه دنیا با آنچه زیر آسمان‌های آنها است به من داده شود تا خدا را با ظلمی به جهت کشیدن پوست جوی از دهان مورچه‌ای معصیت کنم، هرگز چنین خطایی را مرتکب نگردم (د). و قطعی است که این دنیای شما در نزد من پست تر است از برگری در دهان ملخی که آن را می‌جود و می‌شکند. علی را چه کار با نعمت‌های دنیوی که فانی می‌شود و لذتی که پایدار نخواهد ماند. پناه می‌بریم به خدا از به خواب رفتن عقل و زشتی لغزش‌ها، و همواره یاری از او می‌طلبیم.</p>
<p>۲۰ خطبه ۲۳۲ ص ۷۴۳</p>	<p>قطعی است که این مال (بیت المال مسلمین) نه مال من است و نه مال تو، و جز این نیست که از غنیمت و محصول جهاد آنان (الف)، اگر تو در جهادی که آنان کرده‌اند شرکت داشتی، برای تو هم مانند آنان سهمی مقرر بود (ب). و در غیر این صورت، اندوخته دستشان به دهان دیگران نمی‌رسد (پ).</p>
<p>۲۱ نامه ۲۶، ص ۷۹۹</p>	<p>و به یقین برای تو در این زکات بهره‌ای مقرر و حقی است معلوم و شرکایی است از مستمندان و فقرای ناتوان و ما حق تو را ادا خواهیم کرد. پس تو حقوق مردم مستحق را ادا کن (الف) و اگر ادا نکنی قطعاً روز قیامت از کسانی خواهی بود که بیش از همه دشمن دارند. بدا به حال کسی که فقرا و بینوایان و در یوزه‌کنان و رانده شونده‌گان از جامعه و امداران و در راه ماندگان، دشمن او در نزد خدا باشند. و کسی که امانت را ناچیز شمارد و به آن خیانت کند (ب) و نفس و دین خود را از خیانت پاک نگرداند (پ)، قطعاً ذلت و رسوایی را در دنیا به خود وارد ساخته (ت) و او در آخرت ذلیل تر و</p>

	رسواتر خواهد بود (ث). و به یقین خیانت بر امت بزرگترین خیانت است (ج) و فریبکاری پیشوایان زشت ترین فریبکاری‌ها است والسلام
۲۲	و إِذَا وَجَدَتْ مِنْ أَهْلِ الْإِنْفَاقَةِ مَنْ يَحْمِلُ لَكَ زَادَكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ - فَيُؤَافِيكَ بِهِ غَدًا حَيْثُ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ - فَاعْتَنِمَهُ وَحَمَلَهُ إِلَيْهِ (الف) - وَأَكْثَرَ مِنْ تَرْوِيدِهِ وَأَنْتَ قَادِرٌ عَلَيْهِ (ب) - فَلَعَلَّكَ تَطْلُبُهُ فَلَا تَجِدَهُ - وَاغْتَنِمَ مَنْ اسْتَقْرَضَكَ فِي حَالِ غِنَاكَ (پ) - لِيَجْعَلَ قَضَاءَهُ لَكَ فِي يَوْمِ عُسْرَتِكَ. و اگر از مستمندان کسی را پیدا کردی که از طرف تو توشه‌ای به قیامت ببرد و در آن روز در موقع احتیاج آن را به تو برساند، وجود او را غنیمت بشمار و بار را به او بسپار (الف) و هر چه بتوانی در فراوان کردن زاد و توشه او بکوش (ب)، شاید روزی جستجویش کنی و او را نیابی. و هر کس که از تو وامی بخواهد و تو توانایی آن را داشته باشی، وجود او را غنیمت بشمار و نیازش را برطرف کن (پ) تا در روز دشواری آن را به تو ادا کند.
۲۳	پس از حمد و ثنای الهی، قضیه‌ای را از تو به من خبر داده‌اند. اگر آن را انجام داده باشی، پروردگارت را به غضب آورده و پیشوایت را نافرمانی کرده و در امانت خیانت نموده‌ای. به من خبر رسیده است که محصولات زمین را برداشته و آنچه را زیر پا داشته‌ای گرفته و آنچه در دستت بوده، خورده‌ای! (فورا) حسابت را برای من بفرست و بدان که محاسبه خداوندی با عظمت تر است از حساب مردم. والسلام (الف).
۲۴	به من خبر رسیده است که تو کاری کرده‌ای که (اگر خبر صحیح باشد) خدایت را به غضب آورده‌ای و پیشوایت را نافرمانی کرده‌ای: تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسبهایشان آن را به دست آورده و خون هایشان در آن راه به زمین ریخته است در میان گروهی از اعراب قوم خودت که تو را برگزیده‌اند، تقسیم می‌کنی. پس سوگند به خدایی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده است اگر این خبر مطابق واقع باشد، از من درباره خود اهانت و تحقیر خواهی یافت و قدر و منزلت تو نزد من سبک خواهد گشت (ای پسر هیبره) هرگز حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را با نابود کردن دینت، آباد مگردان که با این نابرداری از کسانی خواهی بود که بیش از همه اعمال آنان خسارت دیده است (الف). هشیار باش! حق همه کسانی از مسلمانان که



	با شما و با ما هستند در تقسیم این غنیمت مساوی است و همه آنان از دیدگاه من با تساوی به آن غنیمت وارد می‌شوند و خارج می‌گردند (ب).	
۲۵	خدا را، خدا را در نظر بگیرید درباره یتیمان، از تغذیه و اطعام آنان نگاهید (الف) و در جمع شما ضایع نگردند (ب).	نامه ۴۷، ص ۸۸۱
۲۶	و بر شما باد پیوستن به هم و بخشش و عطا به یکدیگر	همان، ص ۸۸۳
۲۷	و همه شما نزد من درباره حق مساوی باشید (الف). اگر چنین کردم (حقوق شما را به جای آوردم) نعمت خداوندی برای شما تثبیت شده و اطاعت من بر شما واجب است	نامه ۵۰، ص ۸۸۷
۲۸	پس مابین مردم و خودتان انصاف بورزید و به برآوردن نیازهای آنان تحمل نمایید (الف)، زیرا شما باید خزانه داران رعیت و وکلای امت و سفیران پیشوایان. و هیچ کس را درباره احتیاجی که دارد به چشم وادار نکنید و از آنچه که طلب می‌کند، بازمدارید (ب) و برای دریافت مالیات لباس زمستان و تابستان مردم را مفروشید، همچنین حیوان‌ها یا بنده‌ای را که وسیله کار صاحبش است، از دستش مگیرید (پ). و هیچ کس را برای یک درهم نازیانہ مزید (ت) و دست به مال کسی نیازید، چه مسلمان نمازگزار باشد و چه با مسلمانان پیمان همزیستی بسته باشد (ث).	نامه ۵۱، ص ۸۸۹
۲۹	مالکا، رحمت (الف) و محبت (ب) و لطف بر مردم جامعه را به قلبت بفهمان، (به طوری که آن را دریافت کند، نه این که در حد یک تصور ذهنی بماند) (پ) و برای آنان درنده‌ای خونخوار مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری (ت)، زیرا مردم بر دو صنفند، یا برادر دینی تو هستند، یا نظیر تو در خلقت (همنوع تو می‌باشند).	نامه ۵۳، ص ۸۹۴
۳۰	و بدان هیچ انگیزه‌ای برای خوش گمانی زمامدار درباره رعیتش شدیدتر از احسان وی به رعیت (الف)، و سبک کردن مشقتها از دوش آنان (ب)، و تحمیل نکردن تکلیفی که متوجه آنان نیست، نمی‌باشد (پ). در این موضوع اقدامات تو باید طوری باشد که خوش گمانی مردم جامعه برای تو فراهم آید، زیرا امید و خوش گمانی، مشقت و رنج‌های دامنه‌دار را از تو قطع می‌کند	همان، صص ۹۰۱- ۹۰۳
۳۱	سپس طبقه پایین مردم از حاجتمندان و بینوایانند که کمک و اداره زندگی آنان لازم است (الف)، و قانون خدا برای هر یک از آنان امکانی نهاده است (ب)، و برای هر یک از آنان حقی که مصلحت وی را برآورد بر عهده زمامدار است (پ)، و زمامدار	همان، ص ۹۰۵



	<p>نمی‌تواند از حقیقت آنچه که از حق آنان برعهده دارد برآید، مگر با کوشش و استمداد از خداوند متعال، و آماده کردن نفس خود برای التزام به حق، چه تحمل آن همه موارد، سبک باشد چه سنگین. پس برای فرماندهی لشکریان، کسی را انتخاب کن که به عقیده تو خیرخواه‌ترین آنان به خدا و رسول خدا و پیشوایت باشد، و همچنین پاکدامن‌ترین، و بردبارترین آنان بوده، و از کسانی باشد که از غضب خودداری کند، و عذری را که برای او آورده می‌شود بپذیرد، به ناتوانان رثوف (ت) و بر اقویا نیرومند و مسلط (ث)</p>
۳۲	<p>سپس برای هر کسی تلاشی را که کرده است به حساب بیاور (الف)، و تلاش هیچ کس را به حساب دیگری منظور مدار (ب)، و در ادای حق تلاشگران کمتر از حق درجه‌اعلای تلاشی که انجام داده‌اند به حساب بیاور (پ)، و هرگز حیثیت و موقعیت چشمگیر یک انسان باعث نشود که تو کوشش و تکاپوی اندک او را بزرگ بشماری (ت)، (و بالعکس) موقعیت حقیر یک انسان موجب نشود که کوشش و تکاپوی بزرگ او را کوچک به حساب بیاوری (ث).</p>
۳۳	<p>سپس همه کارهای کارگزاران را تحت نظر بگیر (الف) و بازرسان مخفی از میان مردمانی که اهل صدق و وفا هستند بر آنان بگمار (ب)، زیرا تحت نظر قرار دادن پنهانی امور کارگزاران آنان را وادار به حفظ امانت و مدارا با رعیت می‌نماید (پ)</p>
۳۴	<p>امر مالیات را به گونه‌ای تحت نظر بگیر که حال پرداخت کنندگان آن را اصلاح نماید (الف)، زیرا اصلاح حال دیگر مردم در اصلاح مالیات و پرداخت کنندگان آن است (ب). و برای دیگر مردم مصلحتی نیست جز با اصلاح حالت پرداخت کنندگان مالیات (پ)، زیرا همه مردم تحت کفایت مالیات و پرداخت کنندگان آن می‌باشند (ت). مالکا، نظرت در آباد کردن زمین بیشتر و رساتر از توجه به گرفتن مالیات باشد (ث)، زیرا مالیات بدون آبادی قابل دریافت نیست (ج)، و هر کس بدون آباد کردن زمین مالیات مطالبه کند، شهرها را خراب کرده (چ) و بندگان خدا را به هلاکت رسانده (ح) و روزگار زمامداری او به طول نمی‌انجامد، مگر اندکی (خ). اگر پرداخت کنندگان مالیات از سنگینی آن و با از آفتی شکایت داشتند، و یا اگر از قطع شدن آب، یا کمی باران، یا دگرگونی وضع زمین زراعی به سبب غرق شدن در سیل، یا اخلاقی که بی‌آبی به آن زمین وارد آورده باشد، در این مواقع باید به قدری از مالیات تخفیف بدهی</p>



	<p>که امید اصلاح شدن امر آنان را داشته باشی (د)، و هرگز تخفیفی که برای اصلاح وضع آنان دادی بر تو سنگین نیاید، زیرا این نوعی ذخیره است که نفع آن در آباد کردن شهرهایت و زینت بخشیدن زمامداریت به تو خواهد برگشت، به اضافه این که ستایش نیکوی آنان را به تو جلب می‌کند، و به اجرای عدالت در میانشان مسرور خواهی گشت، و در برابر ذخیره نیکویی که از آسایش دادن به آنان اندوخته‌ای از قدرت اضافی آنان بهره مند خواهی گشت، (همچنین) از اطمینانی که به سبب دادگری و محبت و مدارا با آنان به تو دارند، برخوردار خواهی بود. پس چه بسا در حوادثی که پیش آید اگر پیش از آن همه عدل و محبت و مدارا به آنان رجوع کنی و از آنان کمک بخواهی با کمال دلخوشی آن حوادث را تحمل نموده و تو را یاری خواهند نمود، زیرا آبادی نعمتی است که هر باری به دوشش بنهی آن را خواهد کشید، و جز این نیست که ویرانی زمین ناشی از فلاکت مردم آن است، و سبب فلاکت مردم روی آوردن کارگزاران به مال اندوزی، و بدگمانی (نامیدی) از دوام حکومتشان، و عبرت نگرفتن از حوادث روزگار و جریانات اجتماعی و سیاسی اقوام و ملل گذشته است.</p>	
<p>همان، صص ۹۱۷- ۹۲۱</p>	<p>۳۵ <u>سپس سفارش به نیکویی درباره بازرگانان و صنعتگران را بپذیر (الف)، و خود نیز درباره آنان سفارش خیر کن (ب)، چه آن که در جایگاه کارش مقیم است و چه آن که در حال گردش برای نقل مال التجاره و حصول کار خود باشد، و چه آن که با تلاش عضلانی محصولی را به وجود می‌آورد، زیرا اینان هستند که عوامل به وجود آورنده منافع و اسباب آسایش مردم جامعه اند، و جلب کننده آنها از نقاط دور و پرتگاه‌ها، در خشکی و دریا و دشت هموار و کوه (و دیگر جاهای) قلمرو زمامداری تو می‌باشند. آنان برای نقل و انتقال کالاها به تلاش در جاهایی می‌پردازند که مردم به آنها روی نمی‌آورند، و جرئت حرکت به سوی آنها را نداند، (توصیه خیر درباره بازرگانان و صنعتگران غالباً باعث سوءاستفاده آنان نمی‌باشد) زیرا آنان مردمانی مسالمت جو هستند و هراسی از آسیب زدن آنان وجود ندارد، و همچنین آنان مردمی صلحجو هستند که بیمی از غائله آنان نیست. همه امور بازرگانان و صنعتگران را خواه در جایی باشند که زیر نظر تو قرار دارند، و خواه در اطراف شهرهای تو، تحت نظر بگیر (پ). و بدان با این حال عده زیادی از آنان مبتلای تنگ نظری و لثامتی بسیار شدید و احتکار منافع، و زورگویی در معاملات می‌باشند، و این صفات پلید موجب وارد کردن ضرر بر</u></p>	



مردم جامعه، و عیب زمامداران است، لذا از احتکار جلوگیری کن (ت)، زیرا رسول خدا ﷺ از احتکار جلوگیری فرمود (ث). و جریان معاملات باید آسان و روا و با موازین عدالت (ج) و با قیمت‌هایی صورت بگیرد که به طرفین معامله (فروشنده و خریدار) تعدی نباشد (چ). پس هر کس که پس از ممنوع ساختن احتکار دست به آن آلوده کند، او را تعزیر نما (ح) و کیفری بدون اسراف بر او اجرا کن (خ). سپس مالکا، خدا را، خدا را در نظر بگیر درباره طبقه پایین از مردمی که چاره‌ای ندارند، از بینوایان و نیازمندان و مشقت زدگان و زمینگیرشدگان، زیرا در این طبقه مردمی قانع و حاجت خواه وجود دارد. حق خدا را که از تو مراعات آن را درباره آنان خواسته است حفظ کن (د). و برای آنان قسمتی از بیت المال (ذ) و قسمتی از عایدات خالصه‌جات اسلام را در هر شهری در نظر بگیر (ر). زیرا برای آن بینوایان و نیازمندان که از جایگاه تو دورند، همان حق وجود دارد که برای نزدیکان (ز)، و تو باید حق همه آنان را مراعات نمایی (س)، مالکا، هشیار باش که فساد و سرمستی تو را از آنان مشغول نکند (ش)، زیرا تو به بهانه اشتغال به کارهای بزرگ از ضایع کردن حق کوچک معذور نیستی (ص)، و هرگز اهتمام خود را از آنان منصرف مکن (ض)، و از روی تکبر بر آنان روی گره مساز (ط) و امور کسانی از این طبقه را که نمی‌توانند به حضور تو برسند و مردم به آنان با تحقیر می‌نگرند و مردان چشمگیر آنان را پست می‌شمارند، تحت نظر بگیر (ظ)، و برای رسیدگی به امور آنان مردمی را معین کن که در نزد تو مورد اطمینان و اهل ترس از خدا و فروتن می‌باشند (ع)، تا نیازها و مسائل آنان را به تو اطلاع دهند (غ). سپس درباره این طبقه مستمند چنان رفتار کن که روز دیدار با خداوند سبحان معذور و سربلند باشی (ف). زیرا این طبقه از دیگر مردم جامعه به انصاف (و عدل و محبت) نیازمندترند (ق). و حقوق همه مردم و طبقات جامعه را چنان ادا کن که در نزد خدا معذور و سربلند باشی. اداره شوون ایتمام و کسانی را که گذشت سالیان عمر آنان را ناتوان ساخته است، از کسانی که چاره‌ای ندارند و نفس خود را برای سوال عرضه نمی‌کنند، با دقت و توجه به عهده بگیر و ملتزم باش (ک). و این دقت و تعهد بر زمامداران سنگین است، و التزام و عمل به همه انواع حق سنگین است. خداوند متعال همین سنگینی را برای مردمانی سبک می‌کند که طلب عاقبت نموده و نفس خود را درباره حق شکیبا ساخته‌اند و به صدق وعده خداوندی اطمینان دارند. و برای



	<p>نیازمندان که مراجعه آنان به تو ضروری است قسمتی از وقت خود را اختصاص بده که با شخص تو به طور مستقیم ارتباط برقرار کنند (گ)، و برای آنان مجلس عمومی قرار بده (ل) که در آن جا به خدایی تواضع کنی که تو را آفریده است. و در این ارتباط لشکریان و معاونان مانند نگهبانان و پاسبانان را از آنان دور بساز، که کسی که از آن نیازمندان با تو سخن می‌گوید بدون گرفتگی زبان (و بدون نقص) سخنش را بگوید (م). زیرا من در مواردی متعدد از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: (هیچ امتی به پاکی و قداست نخواهد رسید، اگر حق ضعیف آن امت از قدرتمندش بدون گرفتگی زبان (و بدون نقص) گرفته نشود) (ن) سپس بد برخوردی و ناتوانی در سخن گفتن را از آنان تحمل کن (و)، و مگذار آنان در تنگنای هیبت فرمانروایی و تکبر تو به سختی بیفتند (و نتوانند درد دل و حاجات خود را ابراز بدارند) (ه). اگر درباره حاجتمندان به این ترتیب که به تو دستور دادم رفتار کنی، خداوند ابعاد رحمتش را بر تو می‌گستراند، و پاداش اطاعتش را برای تو مقرر می‌داد. و آنچه را که عطا می‌کنی، به طور گوارا عطا کن، و اگر نتوانستی نیاز کسی را برآوری، با روی خوش و پوزش خواهی او را برگردان (ی).</p>	
<p>همان، ص ۹۳۳</p>	<p>مالکا، بپرهیز از تقدم خود بر دیگران در هر آنچه مردم درباره آن مساویند (الف)، و از غفلت از آنچه که برای همه روشن است و چشم همگان آن را می‌بیند (ب)، زیرا در این جریان تو مورد مواخذه قرار خواهی گرفت (پ) و سود آن به دیگری خواهد رسید، و در اندک زمانی پرده‌ها از روی واقعیات برداشته می‌شود (ت)، و داد ستمدیده از تو گرفته خواهد شد (ث)</p>	<p>۳۶</p>
<p>نامه ۶۷، صص ۹۵۹- ۹۶۱</p>	<p>و هیچ نیازمندی را از دیدار رویت محروم مکن (الف)، زیرا اگر در آغاز از ورود بر تو منع گردد، پس از آن که حاجتش برآورده گردد، تو سزاوار سپاسگزاری نخواهی گشت. و یا دقت در اموال خداوندی که نزد تو جمع شده است بنگر. پس آن را بین خانواده‌هایی که نزدیک هستند و دارای عائله و گرسنه‌اند و در میان فقرا و مستمندان مصرف کن (ب) و آنچه را که از موارد مزبور، زیاده و اضافی بود، به سوی ما بفرست تا بین مستحقین نزد ما تقسیم کنیم (پ).</p>	<p>۳۷</p>

سطح یک، کدگذاری باز: شناسایی مفاهیم احادیث

در فرایند کدگذاری باز، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند (استراوس و کرین، پیشین: ۱۲۳). در جریان کدگذاری باز، داده‌ها به پاره‌های مجزا خرد شده و با دقت مورد بررسی قرار گرفته و از نظر شباهت‌ها و تفاوت‌ها با هم مقایسه می‌شوند. رویدادها، حوادث، اشیاء و عمل/تعامل‌هایی که ماهیت یکسان مفهومی دارند و یا از جهت معنا به هم مربوطند، ذیل مفاهیم انتزاعی تری به نام «مقوله» قرار می‌گیرند (همان، ۱۲۴). از جمله مقوله‌هایی که از مضمون خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه در مبحث مورد بررسی استنباط شد، عبارتند از: طرد انحصارطلبی و زیاده‌خواهی (کدهای ۱، ۲، ۳ و ۳۶)، توجه به رفاه عمومی (کدهای ۳، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۳۵)، عدم سکوت در برابر شکمبارگی ستمگران (کدهای ۲، ۷، ۱۳)، عدم سکوت در مقابل گرسنگی مظلومان (کد ۲، ۷، ۱۳)، گرفتن حقّ مظلوم از ظالم (کدهای ۳ و ۱۳)، رسیدگی به وضع اقشار آسیب‌پذیر مانند ایتام و فقرا و ادای حقوق نیازمندان (کدهای ۴، ۱۶، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۳۱، ۳۵ و ۳۷)، برگرداندن اموال تصرف شده بیت‌المال (کد ۳)، رساندن حق به صاحب آن (کد ۳ و ۸)، همسطح بودن زندگی پیشوایان عدالت با ضعیف‌ترین مردم (کد ۱۸)، زهد و بی‌اعتنایی به دنیا (کد ۹)، فراوان نمودن بیت‌المال (کد ۶)، تقوا (کد ۱۵)، توزیع بر مبنای تلاش افراد (کد ۲۰، ۳۲)، تحت نظر قرار دادن اعمال کارگزاران (کد ۲۳، ۲۴، ۳۳)، نظارت بر امر مالیات (کد ۳۴)، نظارت بر آباد کردن زمین بیشتر از توجه به اخذ مالیات (کد ۳۴)، نظارت بر امور بازرگانان و صنعتگران (کد ۳۵)، بیزاری جستن و مقابله با ظلم و جور (کد ۱۹)، تقسیم به تساوی (کد ۱۱، ۱۷، ۱۹، ۲۴، ۲۷)، رعایت حقوق همگان (کد ۱۲).

سطح دو، کدگذاری محوری: شناسایی مقوله‌های محوری

کدگذاری محوری عمل مرتبط کردن مقوله‌ها با زیرمقوله‌ها (مقوله‌های فرعی) در ارتباط با ویژگی‌ها و ابعاد آنهاست (استراوس و کرین، پیشین: ۱۴۶) که در این قسمت بر اساس الگوی پارادایمی نظریه زمینه‌ای

در پنج بخش شرایط سبب‌ساز، شرایط دخیل، شرایط متکی بر زمینه، عمل/تعامل راهبردی و پیامد (بیک، بختیاری و ظریفیان شفيعی، ۱۳۹۶: ۴۲) رمزگشایی شده و در جدول آورده شده است.

کد	گزاره‌ها	مقوله محوری	شرایط سبب ساز	شرایط دخیل	شرایط متکی بر زمینه	عمل/تعامل راهبردی	پیامد
۱	الف، ب	بیان عاقبت خوردن حق دیگران (تصرف نابجا در بیت المال)	-	شراکت خویشاوندان	-	آگاه‌سازی و روشنگری	نابودی
۲	الف	مبارزه با پرخوری ستمگران	حضور حاضران (یاران)	عهد خداوند با علما درباره عدم سکوت در برابر شکمبارگی و ستمکاران و گرسنگی ستم‌دیدگان	اتمام حجت در صورت وجود یاران	قبول حکومت	برپایی حکومت عادلانه
	ب	کمک و یاری به گرسنگان مظلوم					
۳	الف	قرار دادن هر چیزی در جای خود	عدل سبب کارها	ستم سبب بسته شدن و تنگی و گره خوردن امور	رابطه عدل و ستم در گشایش و بستگی امور	برگرداندن اموال به صاحبان واقعی آن	گشایش در امور
۴	الف	انفاق (به خویشاوندان فقیر)	نرم‌خویی	افزوده نشدن برمال در صورت نگهداری آن مال و کاسته نشدن از آن در صورت انفاق	همراهی خویشان با او	تشویق به رسیدگی به امور خویشاوندان نیازمند	برخورداری از محبت دائمی خویشاوندان
۵	الف، ب	محوریت حق (حق محوری)	ظهور اسلام	عدم ناتوانی و عدم ترس - شجاعت -	استقامت و استواری در مسیر اسلام	ارشاد و آگاه‌سازی و تشویق به استقامت در مقابل سختی‌های مسیر حق	برپایی حق و نابودی باطل

۱. قابل ذکر است که در کاربریست روش یاد شده در پژوهش حاضر، نیز از مقاله مزبور بهره برده شده است.

۶	الف	فراوان نمودن بیت المال	-	-	-	ارشاد و آگاه‌سازی مردم	ادای حقوق
۷	الف، ب	محوریت حق (حق محوری)	اطاعت اوامر و خداوند و تصدیق پیامبر ﷺ	دفاع از مظلومان و مقابله با زورگویان	استقامت و استواری در راه حق	آگاه‌سازی و روشنگری	برپایی حق و نابودی باطل
۸	الف	(توجه به رفاه عمومی) (حفظ حقوق همگان) رساندن سهم‌ها به صاحبان آن	دستورات خداوند در این مورد	احیاء سنت	اطاعت از دستورات خداوند	ارشاد و آگاه‌سازی	برپایی حق
۹	الف	زهد و بی‌اعتنایی به دنیا	حقارت دنیا	برگزیدگی از جانب خداوند	اعراض از دنیا	توصیف مقام والای پیامبر ﷺ	نپوشیدن لباس فخر و عدم آرزو برای ماندن در دنیا
۱۰	الف، ب، پ	رفاه اجتماعی / انفاق (زکات و صدقه)	توسل به خداوند سبحان	-	وجوب آن -	ارشاد و تشویق	ادای فریضه واجب
	پ						کفاره گناهان و دفع مرگ بد
۱۱	الف	تقسیم به تساوی	ستمکار نبودن	استقامت و پابرجایی در مسیر درست	داشتن ایدئولوژی و مبانی فکری صحیح	پایداری و مقاومت در راه حق	ستم نکردن به مردم
۱۲	الف، ب، پ	توجه به رفاه عمومی (رعایت و حفظ حقوق همگان)	سنت رسول اکرم ﷺ	عدم اختلاط و گناهکار و بی‌گناه	ادامه دادن سنت	بیان سیره رسول اکرم ﷺ	پرداخت سهم به همه طبق موازین اسلام
۱۳	الف	گرفتن حق مظلوم از ظالم	حق محوری	عدم سهل‌انگاری در مقابل ظلم ظالم	یاری مردم	بیان میزان رعایت حق و عدم کوچکترین سهل‌انگاری در	رساندن ستمگر به سرچشمه حق حتی بر خلاف میل



۱۴	الف	رفع فوری بی‌عدالتی	امام عادل هدایت شده‌ی هدایت کننده	برپایی سنت و میراندن بدعت	قاطع بودن	بیان عواقب ظلم و بی‌عدالتی	مواجهه با ستمگر	او/ برپایی حق	
۱۵	الف	تقوا	دستورات خداوند	تهذیب نفس	اطاعت دستورات خداوند	توصیف افراد باتقوا		رعایت میانه روی و اعتدال (پوشاک بر اساس اقتصاد)	
۱۶	الف، ب، پ	رفاه عمومی (زکات)	دستور خدا	تقرب به خدا	اطاعت دستور خدا با رضایت خاطر	هدایت و ارشاد با استناد به فرموده خداوند		کفاره گناهان و مانع آتش	
۱۷	الف، ب، پ	تساوی حقوق	حکم خدا و پیامبر ﷺ	حق محوری	صبر و استقامت	دفاع از رفتار خود با استناد به حکم خدا و پیامبر ﷺ		برگشت به سوی حق	
	ت، ث، ج	(حفظ حقوق) رساندن حق به صاحبش	حق محوری	دفع ظلم و ستم	استمرار در یاری حق	ارشاد و تشویق با دعا نمودن		ادای حقوق	
۱۸	الف	همسطح بودن زندگی پیشوایان عدالت با ضعیفترین مردم	دستور خداوند	-	-	آگاه سازی درباره دستورات خداوند		فقر فقیر، او را از پای در نیازورد و گرفتار اندوه فرلوان نشود	
۱۹	الف، ب، ث، ج، خ، د	مقابله با ظلم	رضایت خدا و پیامبر ﷺ	پستی دنیا و عدم پایداری نعمت های آن	معصیت نکردن	بیزاری جستن شدید از ظلم با آوردن دلایل آن و مثال هایی با ذکر جزئیات		عدم غصب اموال دیگران و دفع ظلم	
		تساوی	دینداری		استقامت در راه دین				



			بیم داشتن از آتش غضب الهی			الف، پ، ت	
۲۰	الف، ب، پ	رعایت حقوق دیگران (توزیع بر مبنای تلاش افراد)	حفظ سهم افراد	تعلق غنایم به شرکت کنندگان در جنگ	شرکت در جنگ	بیان سهم مقرر در غنایم برای افراد شرکت کننده در جنگ	حفظ حقوق کسانی که زحمت کشیده اند
۲۱	الف، ب، پ، ت، ج	ادای حقوق نیازمندان (زکات)	عدم خیانت	ناچیز نشمردن امانت	پاک نمودن نفس و دین از خیانت	توصیه به تقوا و ادای حقوق نیازمندان و عدم خیانت در امانت و بیان عواقب آن در صورت تخلف	در صورت عدم ادای حقوق نیازمندان، روز قیامت از افراد خواهد بود که بیش از همه دشمن دارند
۲۲	الف، ب، پ	کمک به نیازمندان	-	-	-	سفارش به کمک به نیازمندان که به سود کمک کننده است	ذخیره آخرت
۲۳	الف	نظارت بر اعمال کارگزاران	-	-	-	حسابرسی و ارشاد	-
۲۴	الف ب	نظارت بر اعمال کارگزاران تقسیم به تساوی	-	-	-	حسابرسی و ارشاد	-
۲۵	الف، ب	توجه به اقشار آسیب پذیر (یتیمان)	در نظر گرفتن خدا	-	-	سفارش درباره ایتام	-
۲۶	الف	رفاه عمومی	-	-	-	توصیه به بذل و بخشش نسبت به یکدیگر	-



۲۷	الف	تساوی حقوق	-	-	-	در قسمتی از نامه به فرماندهان لشکر و بیان این نکته که در صورت رعایت تساوی؛ آنها نیز موظف به اطاعت هستند. و سپس بیان موارد اطاعت و عواقب انحراف از آن
۲۸	الف، ب، پ، ت، ث	توجه به رفاه عمومی (رعایت انصاف و عدم سخت گیری در دریافت مالیات)	جایگاه مالیات گیرنده در جامعه (خزانه دار رعیت، وکیل امت و سفیر پیشوا)	انصاف ورزیدن	تحمل و صبر در برآوردن نیازهای مردم	توصیه به تعامل درست با مردم
۲۹	الف، ب، پ، ت	توجه به رفاه عمومی	برادران دینی و یا انسان (همنوع)	-	-	توصیه به زمامدار درباره رفتار با مردم
۳۰	الف، ب، پ	توجه به رفاه عمومی	خوش گمانی والی به رعیت	اقدامات والی در میزان نیکی به رعیت به گونه‌ای باشد که نسبت به رعیتش خوش بین شود	احسان و نیکی به رعیت	توصیه به زمامدار درباره چگونگی رفتار با مردم
۳۱	الف، ب، پ، ت، ث	رسیدگی به وضع نیازمندان	حکم خدا	آماده نمودن نفس درباره التزام به حق	سعی و تلاش و طلب یاری از خدا	توصیه به زمامدار درباره اداره زندگی نیازمندان



۳۲	الف، ب، پ، ت، ث	رعایت حقوق همگان (توزیع بر مبنای تلاش افراد)	-	-	-	توصیه به زمامدار درباره ادای حقوق تلاش کنندگان و رعایت دقیق حقوق افراد در هر جایگاهی در این زمینه و عدم جابجایی حقوق آنان بر اساس شرف و بزرگی آنها	-
۳۳	الف، ب، پ	(توجه به رفاه عمومی) نظارت بر اعمال کارگزاران	امانتداری و مدارا با رعیت	تحت نظر قرار دادن کارهای کارگزاران	گماردن بازرسان مخفی بر کارگزاران	حفظ امانت و مدارا با مردم	
۳۴	الف، ب، پ، ت، د	(توجه به رفاه عمومی) نظارت بر امر مالیات	زیرا همه مردم تحت سرپرستی و حملیت مالیات دهندگان هستند	-	تخفیف در مالیات در مواقع لزوم	توصیه به زمامدار درباره آبادانی زمین و نظارت بر مالیات به نحو صحیح و شایسته و بیان پیامدهای آن	مصلحت همگان
	ث، ج، چ، ح، خ	(توجه به رفاه عمومی) نظارت بر آباد کردن زمین بیشتر از توجه به اخذ مالیات	وابستگی شدید مالیات به آبادانی زمین				
۳۵	الف، ب، پ	(توجه به رفاه عمومی) نظارت بر امور بازرگانان و صنعتگران	بازرگانان و صنعتگران عوامل به وجود آورنده منافع و اسباب رفاه و آسایش مردم	سفارش خیر و نیکی کردن زمامدار درباره بازرگانان و صنعتگران	نیکی به بازرگانان و صنعتگران	توصیه به زمامدار درباره بازرگانان و صنعتگران	رفاه و آسایش مردم
	ت، ث، ج، چ، ح، خ	(توجه به رفاه عمومی)			آسان بودن معاملات و	توصیه به جلوگیری از	

	مبارزه با ظلم و صفات پلیدی چون احتکار	منع نمودن احتکار	توجه به موازین عدل	عدم اجحاف بر طرفین معامله	احتکار با استناد به عمل پیامبر اکرم ﷺ
د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، گ، ل، م، ن، و، ه، ی	رسیدگی به حقوق طبقات پایین جامعه	رعایت حق خدا درباره آنان	رعایت حقوق آنها	قرار دادن قسمتی از بیت المال و قسمتی از غلات خالصه اسلام در هر شهری برای آنان	توصیه فراوان به رسیدگی به حقوق اقشار آسیب پذیر با ذکر جزئیات
۳۶	الف، ب، پ، ت، ث	پرهیز از انحصار طلبی	توجه به عاقبت انحصار طلبی	توصیه به زمامدار درباره پرهیز از انحصار طلبی	-
۳۷	الف، ب، پ	رسیدگی به نیازمندان	اموال خداوند	-	سفارش به زمامدار درباره نیازمندان

جدول شماره ۲

کشف مقوله مرکزی (سطح سه؛ کدگذاری گزینشی)

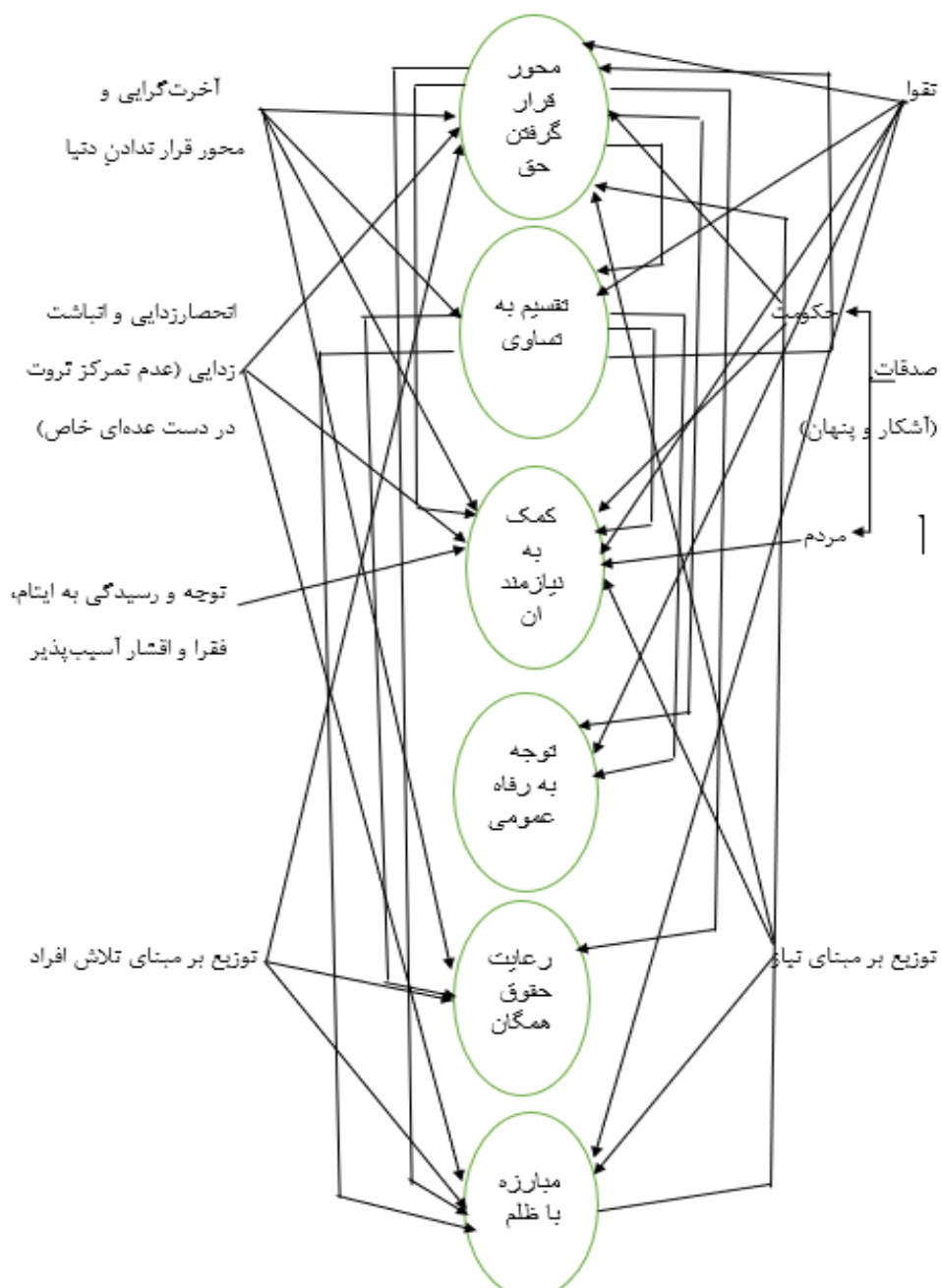
در این سطح، کدگذاری گزینشی به منظور یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها صورت می‌گیرد (استراوس و کربین، پیشین: ۱۶۵). از جمله ملاک‌های گزینش مقوله مرکزی از این قرار است: مرکزی بودن یعنی دارا بودن توان ارتباطدهی سایر مقوله‌های عمده به آن، پدیدار شدن مکرر در داده‌ها یعنی وجود نشانه‌های اشاره به آن در تمام یا کم و بیش تمام موردهای تحت مطالعه، انتزاعی بودن آن به قدر کفایت تا بتواند برای انجام پژوهش در سایر عرصه‌ها مورد استفاده قرار گیرد و منجر به پرورده شدن مقوله کلی‌تر شود، بیشتر شدن عمق و قدرت تبیین آن با پالایش یافتن آن به صورت تحلیلی از طریق یکپارچه‌سازی با دیگر مفاهیم، داشتن توان تبیین گوناگونی‌ها و نکته اصلی موجود



در داده‌ها یعنی تبیین با تغییر شرایط معتبر بماند و بتواند موارد خلاف را در قالب آن اندیشه مرکزی توضیح دهد (همان، ۱۶۸).

بنابر توضیح یادشده درباره مقوله‌های محوری و نیز مقوله مرکزی؛ عمده مقوله‌های محوری با توجه به جدول شماره ۲ عبارتند از توجه به رفاه عمومی (کدهای ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۴ و ۳۵)، کمک به نیازمندان (کدهای ۱۰، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۳۱ و ۳۷)، تقسیم به تساوی (کدهای ۱۱، ۱۷، ۱۹) (قسمت‌های الف، پ، ت) و (۲۷)، رعایت حقوق همگان (کدهای ۱۲، ۳۲)، حق محوری (کدهای ۱، ۳، ۵، ۷، ۸، ۱۳، ۱۷ قسمت‌های ت، ث، ج، ۲۰، ۲۱، ۳۵، د، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، گ، ل، م، ن، و، ه، ی)، و مبارزه با ظلم و ستم (کدهای ۲، ۱۳، ۱۷ و ۱۹).

با توجه به اینکه مقوله مرکزی می‌تواند از درون مقوله‌های موجود در پژوهش باشد و یا آن که پژوهشگر، پس از بررسی مقوله‌ها به این نتیجه برسد که هر چند هر مقوله قسمتی از کل قصه را بیان می‌نماید، اما هیچ‌کدام قادر به ادا کردن حق کل مطلب نیست و بدین ترتیب نیاز به اصطلاح یا عبارت انتزاعی‌تر و مفهومی‌است که توان در بر گرفتن همه مقوله‌ها را داشته باشد (همان)؛ در این پژوهش مقوله «تقوا» و «حق محوری» به عنوان مقوله‌های مرکزی که سایر مقوله‌ها را مورد پوشش خود قرار می‌دهند، انتخاب شدند. شکل زیر نشان دهنده ارتباط معنایی و ابعادی مقوله‌های محوری به دست آمده در پژوهش حاضر با یکدیگر و نیز با زیر مقوله‌ها (مقوله‌های فرعی) است.



شکل فوق نشان می‌دهد که «تقوا» و «حق محوری» مقوله‌هایی هستند که علاوه بر اینکه با تمامی یا بیشتر مقوله‌های محوری دیگر در ارتباط مستقیم است و به نوعی دربرگیرنده همه آنها است.



با مقوله‌های فرعی نیز به طور مستقیم و غیر مستقیم در ارتباط است و از این رو، به عنوان مقوله مرکزی پژوهش پیش رو شناخته می‌شود. «تقوا» و «محور قرار گرفتن حق» (حق محوری)، انتزاعی‌ترین مقوله‌ای است که در این پژوهش به عنوان مقوله مرکزی پیشنهاد می‌شود و سایر مقوله‌ها به نوعی، در ارتباط معنایی و مفهومی با آن قرار دارند و در رفت و آمد با آن هستند و زیر مجموعه‌های آن به شمار می‌روند؛ به عبارتی می‌توان گفت با رعایت «تقوا» به معنای واقعی آن و نیز «حق محوری» می‌توان به سایر مقوله‌ها مانند رفاه عمومی دست یافت.

بنابر نتیجه رمزگشایی و کدگذاری‌های سطوح مختلف تحقیق حاضر می‌توان گفت که از دیدگاه امام علی علیه السلام، برپایی و تحقق عدالت اقتصادی در جامعه با تقوا و محور قرار دادن حق امکان‌پذیر است. باتوجه به جدول و نیز نمودار فوق، به نظر می‌رسد مهم‌ترین شرایط سبب‌ساز این مسائل (تقوا و حق محوری)؛ ظهور اسلام و اطاعت اوامر و دستورات خداوند و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله است، و استقامت و استواری در راه حق از مهم‌ترین شرایط متکی بر زمینه می‌باشد. مهم‌ترین شرایط دخیل نیز شجاعت و عدم ترس و عدم ناتوانی در این مسیر است و مهم‌ترین عمل راهبردی در این زمینه با توجه به جدول، عمل نمودن به دستورات خدا، استقامت در مقابل سختی‌های مسیر حق و نیز ارشاد و روشنگری و آگاه‌سازی و تشویق به استقامت در مقابل سختی‌های مسیر حق است و پیامد و حاصل آن برپایی حق و نابودی باطل و دستیابی به عدالت اقتصادی در جامعه است.

نتیجه‌گیری

بررسی مسأله چگونگی تحقق عدالت اقتصادی در گزاره‌های مرتبط با آن در خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه نشان می‌دهد که مقوله‌های مرکزی تقوا و حق محوری به عنوان مقوله‌هایی که بر سایر مقولات سایه انداخته و آن‌ها را دربرگرفته؛ مقوله‌های اصلی در این مبحث است. در واقع بررسی انجام گرفته گویای آن است که در منظومه فکری امام علی علیه السلام، همه چیز بر پایه و محوریت تقوا و حق است و همه چیز با آن و در ارتباط با آن دیده و سنجیده می‌شود و هر چیزی که به دور از آن و یا در مقابل آن باشد، را طرد و رد می‌نماید و با آن به مقابله می‌پردازد. به گونه‌ای که در این نظام فکری، زمامداری و حکومت بر مردم - که بالاترین مرتبه سیاسی به حساب می‌آید - هم، زمانی با ارزش می‌شود که حقی برپا شود و یا باطلی از بین برود (متن شماره ۵). به عبارت دیگر دنیا زمانی ارزشمند

می‌گردد که در جهت تقوا و برپایی حق و یا نابودی باطل به کار برده شود و لذا ارزشمندی آن در گرو تقوا و برپایی حق و نابودی باطل است. با توجه به بررسی گزاره‌ها بر مبنای روش نظریه زمینه‌ای به نظر می‌رسد که استقامت در راه حق و داشتن شجاعت و تقوا و تهذیب نفس و همکاری حاکمان در این خصوص از شروط مهم رسیدن به این منظور است. با توجه به گزاره‌های کلیدی مورد جستجو می‌توان گفت، راهکارها و روش‌های رسیدن به عدالت؛ مبارزه با ستم ستمگران در این باره از قبیل مبارزه با احتکار، انحصارطلبی و انباشت ثروت در دست عده‌ای خاص و از سوی دیگر رعایت حقوق همگان بر پایه تلاش و استحقاق و نیاز آنها و نیز تقسیم ثروت و منابع خدادادی به تساوی بین مردم در راه رسیدن به رفاه عمومی و رفع فقر از چهره جامعه است و همه موارد فوق، حکایت از تقوا و محور قرار گرفتن حق الهی افراد در مسائل اقتصادی - موضوع مورد بحث - دارد که در این صورت همه افراد جامعه به حق و حقوق الهی خود در جامعه دست می‌یابند و عدالت اقتصادی در جامعه برپا می‌شود و افراد در رفاه و آسایش قرار می‌گیرند و رفاه و آسایش همگانی ایجاد می‌شود.



منابع

قرآن مجید

- نهج البلاغه، ۱۳۸۰ ش، ترجمه علامه جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱. احمدی، علی اصغر، ۱۳۹۱ ش، *عدالت اجتماعی در نهج البلاغه*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
 ۲. ارسطو، ۱۳۵۸ ش، *سیاست*، ترجمه دکتر حمید عنایت، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
 ۳. استراوس، انسلم، و جولیت کریین، ۱۳۹۶ ش، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
 ۴. افلاطون، ۱۳۶۸ ش، *جمهور*، ترجمه فؤاد روحانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۵. جرداق، جرج، ۱۳۸۷ ش، *امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی*، ترجمه و توضیحات سید هادی خسروشاهی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
 ۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵ ش، لغت نامه، زیر نظر جعفر شهیدی، به کوشش اکرم سلطانی، غلامرضا ستوده، *ایرج مهرکی*، تهران: دانشگاه تهران.
 ۷. دیرباز، عسگر، ۱۳۸۰ ش، «*عدالت اقتصادی در کلام و سیره علی علیه السلام*»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۲۷.
 ۸. راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ ش، *المفردات فی غریب القرآن*، دفتر نشر الکتاب.
 ۹. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷ ش، *مفردات نهج البلاغه*، تهران: مؤسسه فرهنگی نشر قبله.
 ۱۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶ ش، *عدل الهی*، تهران: صدرا.
 ۱۱. هانل، رایین، ۱۳۹۳ ش، *عدالت اقتصادی و دموکراسی از رقابت تا مشارکت*، ترجمه دکتر حسن اسماعیل زاده، تهران: نشر علم.

مقالات

۱۲. برزگری، مهدیه، «عدالت اقتصادی در نگره امام علی علیه السلام»، *سیره پژوهی اهل بیت علیه السلام*، سال نهم، شماره شانزدهم، ۱۴۰۲، صص ۵۹-۷۲.
۱۳. بیک، هانیه، و شهلا بختیاری و غلامرضا ظریفیان شفیعی، زمستان ۱۳۹۶ ش، معیارهای سنجش نسبت جامعه با جاهلیت در نهج البلاغه، *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)*، سال بیست و هفتم، دوره جدید، شماره ۳۶، پیاپی ۱۲۶، صص ۳۳-۴۸.



۱۴. جهان‌بین، فرزاد و نعمتی، محمد، ۱۳۹۴ش، «معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج البلاغه»، *فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه*، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۰۳-۱۲۲.
۱۵. دانایی فرد، حسن، تیر ۱۳۸۴ش، تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم سازی تئوری بنیادی، *دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار*، دانشگاه شاهد، سال دوازدهم - دوره جدید، شماره ۱۱، صص ۵۷-۷۰.
۱۶. دانایی فرد، حسن، و ابوذر زنگویی نژاد، تیر ۱۳۹۰ش، تئوری شایسته سالاری مدیریتی بر مبنای استراتژی تئوری داده - بنیاد: برداشتی از نهج البلاغه، *دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار*، مدیریت و پیشرفت، دانشگاه شاهد، سال هجدهم - دوره جدید، شماره ۱-۴۷، صص ۲۴۳-۲۶۴.
۱۷. دانایی فرد، حسن، و سید مجتبی امامی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶ش، استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال اول، شماره دوم، صص ۶۹-۹۷.
۱۸. شمسینی غیاثوند، حسن و محمدزاده، ایرج، ۱۳۹۸ش، «گفتمان عدالت اقتصادی در نهج البلاغه»، *فصلنامه مطالعات منافع ملی*، سال پنجم، شماره هفدهم، صص ۹۳-۱۱۵.
۱۹. عربشاهی کریزی، احمد، زمستان ۱۳۹۵ش، بررسی عدالت در قرآن کریم در سه محور، *فصلنامه مطالعات قرآنی*، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۱۰۹-۱۳۲.
۲۰. ولوی، علی محمد، و هانیه بیگ، زمستان ۱۳۹۲ش، انگیزه‌های استفاده از احادیث نبوی در فضایل قزوین، *مطالعات تاریخ فرهنگی: پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ*، سال پنجم شماره هجدهم، صص ۱۰۹-۱۲۶.